**مریم جمالی[[1]](#footnote-1)**

**تاثير نقد قوة بر نظريه فرمالیسم كلمنت گرينبرگ**

**چکیده**

رویکرد فرمالیستی به نقد هنر از منظر نقد قوة حکم کانت از سوی منتقدان قرن بیستم مورد بررسی و ریشه‌یابی بسیار واقع شده است. از جمله کلمنت گرینبرگ از مهمترین نظریه‌پردازان قرن بیستم در جای‌جای نوشته‌های خود کوشیده است ثابت کند که کانت نخستین مدرنیست در گسترة فلسفة هنر محسوب می‌شود. از این‌رو گرینبرگ همزمان هم مدرنیسم و هم فرمالیسم در هنر را کانت‌محور قلمداد می‌کند. در این نوشته کوشیده‌ایم محورهای اصلی بحث وی را با تکیه بر مؤلفه‌های نقد قوه حکم از جمله اهمیت چهار دقیقه‌ واکاوی نموده و مناسبت آنها با فرم و فرمالیسم را ایضاح بخشیم. در عین حال استناد او به ایدة فرم در زیباشناسی کانت به تعبیر رودولف گاشه و بندتو کروچه تشریح گردیده است. نکتة حایز اهمیت اینکه توجه گرینبرگ به فرازهایی از *نقد خرد ناب* (*سنجش خرد ناب*) در اندیشة کانت به‌منظور روشن شدن آموزه‌های خودپایندگی هنروانتقاد از خود، به‌‌عنوان مهمترین مؤلفه‌ها‌ی مدرنیسم مورد تحلیل و بررسی واقع شده است. در این زمینه اهمیت *نقد قوة حکم* در تحلیل محورهای هنر قرن بیستم و شکل‌گیری فرمالیسم، و سرانجام رهیافت‌های هنرمندان مدرنیست با توجه به این‌رویکردها به روایت گرینبرگ تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: فرم، فرمالیسم، نقد هنری، حکم زیباشناختی، کانت، گرینبرگ.

1. دانش آموخته دكتري فلسفه هنر ، دانشكده الهيات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامي ، واحد علوم تحقيقات تهران ، استان تهران ، شهر تهران (email: mj.amrabadi@gmail.com) [↑](#footnote-ref-1)